

Developing a Causal Model of Marital Burnout Based on Differentiation, Resilience, and Emotion Regulation

Ghobadi M¹, *Moradi O², Yarahmadi Y², Ahmadian H²

Author Address

1. PhD Student, Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran;

2. Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

* Corresponding author's email: o.moradi@iaudsj.ac.ir

Accepted: 2020 September 20; Received: 2020 November 16

Abstract

Background & Objectives: Among the factors affecting the rate of marital conflict reduction, we can mention marital burnout, i.e., directly and indirectly, impacted by various characteristics, such as resilience, differentiation, and emotion regulation in couples. Numerous psychologists and family therapists consider the quality of relationships between key family members as a critical factor in the success or failure of any marriage. Marital burnout is a general lack of care and love in a relationship, i.e., different from marital dissatisfaction. Marital burnout fades and sometimes completely disappears the love and affection between couples. The current study aimed to develop a causal model of marital burnout based on the degree of differentiation, resilience, and emotion regulation in couples with marital conflict.

Methods: The present descriptive–correlational study employed structural equation modeling. The statistical population of the study included all couples who were referred to the counseling centers of Gachsaran City, Iran, in 2019 with the complaint of marital conflict. The number of couples participating in counseling centers was estimated at approximately 1000–1200. Therefore, to select a research sample using the convenience sampling method, 300 couples referring to counseling centers were selected. After guiding the couples, they were dedicated adequate time to complete the research questionnaires. The inclusion criteria of the study include a high score of marital conflict among the samples according to the Marital Conflict Questionnaire (MCQ; Sanaei & Barati, 2000); no substance abuse in neither spouse; no chronic mental disorders, and willingness to participate in the research. To collect the required data, we used the Differentiation of Self Inventory (DSI) (Skowron & Friedlander, 1998), the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC; Connor & Davidson, 2003), the Affective Self-Regulation Strategies Scale (Larsen & Prizmic, 2004), the Marital Burnout Scale (Pines, 1996), and the MCQ. Descriptive statistics, including mean and standard deviation as well as, inferential statistical methods, such as Pearson correlation coefficient and structural equation modeling were used to analyze the collected data in SPSS and SmartPLS. A significance level of 0.05 was used for all statistical tests.

Results: The present research results suggested that the direct path coefficients between resilience and emotion regulation ($p < 0.001$, $\beta = 0.63$) as well as differentiation and emotion regulation ($p < 0.001$, $\beta = 0.28$) were significant and positive. Moreover, the path coefficients between resilience and marital burnout ($p = 0.009$, $\beta = -0.15$), differentiation and marital burnout ($p < 0.001$, $\beta = -0.29$), and emotion regulation and marital burnout ($p < 0.001$, $\beta = -0.48$) were negative and significant. Additionally, the indirect effect of resilience on marital burnout ($p < 0.001$, $\beta = -0.30$) and the indirect effect of differentiation on marital burnout ($p < 0.001$, $\beta = -0.13$), with the mediating role of emotion regulation, was significant and negative. Besides, the goodness of fit indices supported the relatively good fit of the research model with the collected data ($X^2/df = 3.13$, CFI = 0.91, GFI = 0.95, AGFI = 0.93, RMSEA = 0.061).

Conclusion: According to the present research findings, resilience and differentiation, with the mediating role of emotion regulation, can be a desirable model for explaining marital burnout in couples with marital conflicts.

Keywords: Marital burnout, Marital conflict, Differentiation, Resilience, Emotion regulation.

تدوین مدل علی دزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی

ماریانوس قبادی^۱، *امید مرادی^۲، یحیی یاراحمدی^۲، حمزه احمدیان^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد سنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنج، ایران؛

۲. گروه روان‌شناسی، واحد سنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنج، ایران.

*رأبانا نامه نویسنده مسئول: o.moradi@iausdj.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: دزدگی زناشویی، عشق و علاقه بین زوجین را کم‌رنگ و گاهی به‌طور کامل محو می‌کند و خود به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر عامل‌های مختلفی است. پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل علی دزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی زوجین انجام شد.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده با مشکل تعارض زناشویی به مراکز مشاوره شهر گچساران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از بین آن‌ها، تعداد سیصد نفر به‌روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تمایزیافتگی خود (اسکورن و فریدلتر، ۱۹۹۸)، مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳)، مقیاس راهبردهای خودتنظیمی عاطفی (لارسن و پریزمایک، ۲۰۰۴)، مقیاس دزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (ثنایی و براتی، ۱۳۷۹) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و SmartPLS به‌کار رفت. سطح معناداری آزمون‌ها در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، ضرایب مسیر مستقیم بین تاب‌آوری با خودتنظیمی هیجانی ($\beta = ۰/۰۱$ و $p < ۰/۰۰۱$) و تمایزیافتگی با خودتنظیمی هیجانی ($\beta = ۰/۲۸$ و $p < ۰/۰۰۱$) مثبت و معنادار بود. ضرایب مسیر بین تاب‌آوری با دزدگی زناشویی ($\beta = ۰/۰۰۹$ و $p = ۰/۱۵$)، تمایزیافتگی با دزدگی زناشویی ($\beta = -۰/۲۹$ و $p < ۰/۰۰۱$) و خودتنظیمی هیجانی با دزدگی زناشویی ($\beta = -۰/۴۸$ و $p < ۰/۰۰۱$) منفی و معنادار به‌دست آمد؛ همچنین اثر غیرمستقیم تاب‌آوری بر دزدگی زناشویی ($\beta = -۰/۳۰$ ، $p < ۰/۰۰۱$) و اثر غیرمستقیم تمایزیافتگی بر دزدگی زناشویی ($\beta = -۰/۱۳$ و $p < ۰/۰۰۱$) با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی، منفی و معنادار به‌دست آمد؛ همچنین شاخص‌های نکویی برازش از برازش نسبتاً خوب الگوی پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده حمایت کردند ($X^2/df = ۳/۱۳$ و $CFI = ۰/۹۱$ و $GFI = ۰/۹۵$ و $AGFI = ۰/۹۳$ و $RMSEA = ۰/۰۶۱$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، تاب‌آوری و تمایزیافتگی با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی می‌تواند مدل مطلوبی برای تبیین دزدگی زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی باشد.

کلیدواژه‌ها: دزدگی زناشویی، تعارض زناشویی، تمایزیافتگی، تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی.

صمیمیت زناشویی و دلزدگی رابطه معنادار وجود دارد (۱۴). کلوکینوس و همکاران در پژوهشی با بررسی رابطه تمایز یافتگی با خودتنظیمی هیجانی دریافتند، رابطه معناداری بین تمایز یافتگی و خودتنظیمی هیجانی وجود دارد و هیجانات منفی دارای رابطه معنادار بیشتری با خودتمایز یافتگی کم است (۱۵).

ضرورت پژوهش حاضر از آن حیث بود که از آنجاکه رابطه زناشویی اگر با احساس رضایت و شادی و نشاط همراه باشد، تأثیر خوبی بر سلامت روان زوجین دارد، می‌توان گفت کیفیت رابطه زناشویی و ابعاد مختلف آن از عوامل بسیار مهم پایداری زندگی مشترک است. اگر زوجین بتوانند سطح رضایت و شادی را در زندگی زناشویی خود افزایش دهند، علاوه بر حفظ رابطه زوجی بنیان خانواده‌شان را نیز از آسیب محفوظ می‌دارند؛ با این وجود، احساسی که زوجین در قبال رابطه زناشویی‌شان دارند، با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود و معمولاً زوجین در ابتدای زندگی مشترک شادی و به‌طور کلی احساسات مثبت بیشتری درباره یکدیگر تجربه می‌کنند. بدیهی است که با گذشت زمان و مواجه شدن با چالش‌های مختلف زندگی زناشویی، می‌تواند از میزان این احساسات مثبت کاسته شود و مهم‌تر آنکه ممکن است زوجین مهارت‌های لازم را برای بهبود کیفیت رابطه زناشویی نداشته باشند؛ بنابراین این امر می‌تواند با به‌کارگیری مداخلات مؤثر تسهیل شود؛ بر این اساس هدف از انجام پژوهش حاضر، تدوین مدل علی دلزدگی زناشویی بر اساس میزان تمایز یافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر توصیفی همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده با مشکل تعارض زناشویی به مراکز مشاوره شهر گچساران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. تعداد زوج‌های شرکت‌کننده به مراکز مشاوره تقریباً بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر برآورد شد؛ از این‌رو برای انتخاب نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد سیصد نفر از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انتخاب شدند. سپس ابزارهای پژوهش روی آن‌ها اجرا شد. برای تعیین تعداد نمونه به دلیل اینکه در پژوهش مدل‌یابی به‌ازای هر متغیر آشکار ۱۰ تا ۱۵ نفر نیاز است (۱۶)، بر اساس متغیرهای موجود (هیجده متغیر آشکار) (مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱)، ۲۷۰ نفر لازم بود. برای اطمینان بیشتر، سیصد نفر به‌روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش به شرکت‌کنندگان داده شد و بعد از راهنمایی زوجین، وقت کافی برای تکمیل پرسشنامه‌ها به آن‌ها داده شد. با توجه به جامعه آماری پژوهش، با هماهنگی با مسئولان مرکز مشاوره به ۳۰۰ شرکت‌کننده که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، پرسشنامه داده شد و تمامی آن‌ها جمع‌آوری شد. پس از آن، داده‌ها به‌منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های آماری وارد نرم‌افزار SPSS شد نسخه ۲۲ شد و یافته‌ها استخراج شد.

از عوامل مؤثر بر میزان کاهش تعارض زناشویی^۱ می‌توان به متغیر دلزدگی زناشویی اشاره کرد که خود به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل‌های مختلفی است. در این پژوهش به بررسی برخی از عوامل و میزان تأثیر آن‌ها بر کاهش تعارض زناشویی پرداخته شده است. درواقع از عوامل‌های اثرگذار بر تعارضات زناشویی، دلزدگی زناشویی^۲ است و عوامل مختلفی بر دلزدگی تأثیر دارد که ازجمله می‌توان به تاب‌آوری^۳، تمایز یافتگی^۴ و خودتنظیمی هیجانی^۵ در زوجین اشاره کرد (۴-۱).

بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمانگران، کیفیت روابط بین اعضای اصلی خانواده را از عوامل بسیار مهم در موفق بودن یا موفق نبودن هر ازدواجی می‌دانند که دیدگاه بانفوذتر آن، نظریه تمایز یافتگی بوئن^۶ است (۵). تمایز یافتگی می‌تواند بر دلزدگی زناشویی زوجین تأثیر بگذارد و از بروز دلزدگی در زوجین جلوگیری کند (۶). خودتمایز سازی به میزان و درجه‌ای اشاره دارد که فرد قادر است بین عملکرد عقلانی و هیجانی و نیز شخصیت و استقلال در روابط تعادل برقرار کند (۷). همچنین خودتمایز سازی به‌عنوان متغیری شخصی، مفهوم‌بندی شده است که روی مقیاسی فرضی از صفر تا ۱۰۰ قرار می‌گیرد و نمایانگر سطوح مختلف تمایز فرد در دو سطح درون‌فردی و بین‌فردی است (۸). افرادی که در قطب بالای مقیاس قرار دارند، از لحاظ عاطفی پخته هستند؛ همچنین آن‌ها می‌توانند به میل خودشان احساس یا کردار داشته باشند و تعریف واضح و درستی از خود دارند (۹).

یکی از متغیرهای دیگر تاب‌آوری است که تأثیر بسزایی بر دلزدگی زناشویی دارد (۱۰). همچنین از عوامل تأثیرگذار بر دلزدگی زناشویی می‌توان به خودتنظیمی هیجانی در زوجین اشاره کرد. این مهارت می‌تواند باعث افزایش تاب‌آوری و تمایز یافتگی در زوجین شود و از این طریق بر کاهش دلزدگی زناشویی زوجین تأثیرگذار باشد (۱۱). دلزدگی فقدان کلی مراقبت و عشق در رابطه است که این حالت با ناراضیاتی زناشویی تفاوت دارد. ناراضیاتی زناشویی، ناخشنودی از یک زمینه در ازدواج و نه لزوماً کل رابطه است. همچنین دلزدگی در یکی از طرفین، بیشتر از طرف دیگر رخ می‌دهد (۱۲). درواقع دلزدگی در زوج‌ها، روندی تدریجی است که طی آن صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می‌بازد و به‌همراه آن خستگی عمومی عارض می‌شود (۱۳).

امیدی‌فر و همکاران در پژوهشی با بررسی مقایسه و رابطه خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هر دو و یکی شاغل در ادارات دولتی نشان دادند که میانگین راهبردهای تنظیم هیجان، دلزدگی زناشویی و صمیمیت زناشویی در دو گروه زوجین یکی و هر دو شاغل دارای تفاوت معناداری است؛ بدین‌صورت که زوجین هر دو شاغل دارای راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و صمیمیت زناشویی کمتر و راهبردهای منفی تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی بیشتری در مقایسه با زوجین یکی شاغل هستند. همچنین بین راهبردهای تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی، راهبردهای تنظیم هیجان و صمیمیت زناشویی،

^۵. Emotional self-regulation

^۶. Bowen

^۱. Marital conflict

^۲. Marital burnout

^۳. Resilience

^۴. Differentiation

شاخص‌های انتخاب افراد در مطالعه شامل بیشتر بودن نمره تعارض زناشویی براساس پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱ (۱۷) در بین نمونه‌ها، نبود سوء مصرف مواد مخدر در هیچ‌یک از زوجین، نداشتن اختلالات روانی مزمن و انتخاب زوج‌های مایل به شرکت در پژوهش بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: تمامی افراد به شکل شفاهی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

ابزارهای زیر در پژوهش به کار رفت.

۱- پرسشنامه تمایز یافتگی خود^۲: این پرسشنامه را اسکورن و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ تهیه کردند (۱۸). فرم اولیه پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر تهیه شد و پرسشنامه نهایی در ۴۵ آیتم بر مبنای نظریه بوئن ساخته شد. این پرسشنامه به صورت خود گزارشی است و به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود؛ همچنین تمرکز اصلی آن بر ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است. این پرسشنامه ۴۵ سؤال دارد. پاسخ‌ها بر طیفی شش درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده است؛ همچنین پرسشنامه دارای چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی، آمیختگی با دیگران و مواضع شخصی یا موقعیت من است. نمره بیشتر در نمره کل و خرده‌مقیاس جایگاه من، بیشتر بودن سطح تمایز یافتگی و جایگاه من را نشان می‌دهد. نمره کمتر به معنای نبود تمایز یافتگی و جایگاه من است. همچنین در خرده‌مقیاس‌های واکنش عاطفی، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران نمره بیشتر به معنای نبود این ویژگی‌ها و در جهت افزایش تمایز یافتگی است (۱۸). همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه در کل ۰/۸۸ و برای هریک از خرده‌آزمون‌های واکنش عاطفی ۰/۸۳، گسلش عاطفی ۰/۸۰، آمیختگی با دیگران ۰/۸۲ و موقعیت من یا مواضع شخصی ۰/۸۰ به دست آمد (۱۸). در پژوهش جعفری و همکاران پایایی کل آزمون برای واکنش عاطفی ۰/۸۱، گسلش عاطفی ۰/۷۷، آمیختگی با دیگران ۰/۷۸ و جایگاه من ۰/۶۴ بود (۱۹).

۲- مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون^۳: این مقیاس را کانر و دیویدسون در سال ۲۰۰۳ با مرور منابع پژوهشی ۱۹۹۱ تا ۱۹۷۹ حوزه تاب‌آوری تهیه کردند (۲۰). این مقیاس ۲۵ عبارت دارد که در طیفی لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. شیوه نمره‌گذاری گزینه‌ها در این مقیاس بدین شرح است: کاملاً نادرست= صفر؛ به ندرت= ۱؛ گاهی درست= ۲؛ اغلب درست= ۳؛ همیشه درست= ۴؛ بنابراین طیف نمرات این پرسشنامه بین صفر تا ۱۰۰ است. نمرات بیشتر بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است (۲۰). نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن بود که این پرسشنامه دارای پنج عامل تصور

۳- پرسشنامه تعارضات زناشویی: این پرسشنامه توسط ثنایی و براتی در سال ۱۳۷۹ براساس تجارب بالینی در ایران ساخته شد (به نقل از ۱۷). این پرسشنامه، ایزاری ۴۲ سؤالی است که برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهر استفاده می‌شود. پرسشنامه هفت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که شامل کاهش همکاری، رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جد کردن امور مالی از یکدیگر است. مشاوران و سایر متخصصان بالینی می‌توانند از این پرسشنامه برای

4. Affective Self-Regulation Strategies Scale

5. Marital Burnout Scale

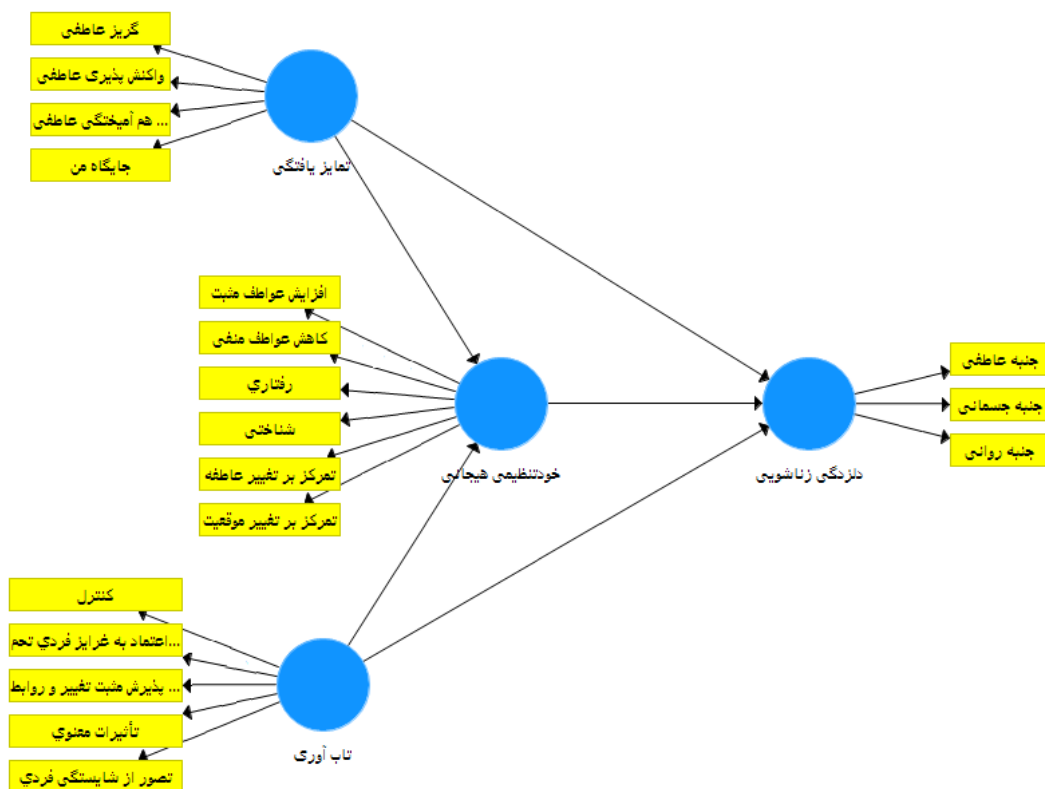
1. Marital Conflict Questionnaire (MCQ)

2. Differentiation of Self Inventory (DSI)

3. The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)

به دست آمد: کاهش همکاری، ۰/۷۳؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶؛ افزایش واکنش های هیجانی، ۰/۷۴؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۸۱؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۶۵؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۱؛ جدا کردن امور مالی

سنجیدن تعارض های زن و شوهری و ابعاد آن استفاده کنند. در شیوه نمره گذاری برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده است که به صورت لیکرتی از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره گذاری می شود. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است (به نقل از ۱۷).



آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برای هفت مؤلفه آن به ترتیب زیر از یکدیگر، ۰/۶۹ (۱۷).

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۰/۹۰ و شاخص RMSEA کوچکتر از ۰/۰۸ باشند، بیانگر برازش مطلوب و خوب هستند (۲۷). برای بررسی اثر غیرمستقیم از آزمون بوت استرپ استفاده شد. به منظور تحلیل داده های پژوهش، نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و SmartPLS به کار رفت. سطح معناداری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته ها

از سیصد نمونه بررسی شده، به لحاظ جنسیت ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) مرد و ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) زن بودند. از جنبه سن ۱۹ نفر (۶/۳ درصد) کمتر از ۲۰ سال، ۱۰۳ نفر (۳۴/۳ درصد) بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۰۶ نفر (۳۵/۳ درصد) بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۵۱ نفر (۱۷ درصد) بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۱۳ نفر (۴/۳ درصد) بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۸ نفر (۲/۸ درصد) بیشتر از ۴۰ سال سن داشتند؛ بنابراین سن اکثریت نمونه آماری پژوهش حاضر بین ۲۶ تا ۳۰ سال بود. از لحاظ تحصیلات ۶۰

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است. در این پژوهش از آمار توصیفی برای دسته بندی مشخصات فردی آزمودنی ها به منظور محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین در این پژوهش روش آمار استنباطی به کار رفت. از آزمون کولموگوروف اسمیرنف برای تشخیص نرمال بودن داده ها و از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در راستای برازندگی الگوی پیشنهادی، شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی^۱، شاخص نکویی تطبیقی^۲ (CFI)، شاخص نکویی برازش^۳ (GFI)، شاخص نکویی تطبیقی^۴ (AGFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۵ (RMSEA) بررسی شد. اگر شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی، کوچکتر از ۳ باشد، برازش بسیار مطلوب را نشان می دهد. اگر شاخص های CFI، AGFI، GFI بزرگتر از ۰/۹۵ و شاخص RMSEA کوچکتر از ۰/۰۵ باشد، بر برازش بسیار مطلوب و بسیار خوب دلالت دارد. اگر شاخص های CFI، AGFI، GFI بزرگتر از

4. Adjusted goodness of fit index (AGFI)

5. Root mean square error of approximation (RMSEA)

1. χ^2/df

2. Comparative fit index (CFI)

3. Goodness of fit index (GFI)

نفر (۲۰ درصد) دیپلم و کمتر، ۷۵ نفر (۲۵ درصد) کاردانی، ۱۱۳ نفر (۱/۶ درصد) دکتری داشتند. (۳۷/۷ درصد) کارشناسی، ۴۷ نفر (۱۵/۷ درصد) کارشناسی ارشد و ۵

جدول ۱. توصیف متغیرهای تحقیق با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	K-S	مقدار احتمال
واکنش‌پذیری عاطفی	۳۴/۴۶	۶/۹۰	۰/۴۹	۰/۷۵۴
جایگاه من	۳۵/۸۸	۶/۶۸	۰/۸۱	۰/۵۱۲
گریز عاطفی	۳۷/۳۱	۷/۷۸	۰/۵۷	۰/۶۳۷
هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران	۳۴/۶۰	۷/۲۶	۰/۹۴	۰/۳۱۸
نمره کل تمایز یافتگی	۱۴۲/۲۴	۲۷/۳۹	۰/۸۸	۰/۵۵۴
تصور از شایستگی فردی	۲۵/۱۵	۵/۳۲	۰/۷۴	۰/۶۴۴
اعتماد به غرایز فردی تحمل عاطفه منفی	۲۲/۱۴	۵/۳۲	۰/۶۹	۰/۸۴۱
پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن	۱۵/۳۵	۳/۳۹	۰/۷۷	۰/۶۵۱
کنترل	۹/۳۶	۲/۱۳	۰/۶۱	۰/۶۳۷
تأثیرات معنوی	۶/۳۰	۱/۴۸	۰/۸۴	۰/۵۹۲
نمره کل تاب‌آوری	۷۸/۳۱	۱۵/۲۲	۰/۷۹	۰/۴۸۹
شناختی	۳۳/۲۳	۷/۷۳	۰/۷۴	۰/۶۷۱
رفتاری	۸۲/۴۵	۱۹/۳۶	۰/۵۹	۰/۷۲۲
تمرکز بر تغییر موقعیت	۵۷/۰۶	۱۴/۱۵	۰/۶۳	۰/۶۵۷
تمرکز بر تغییر عاطفه	۶۴/۳۱	۱۴/۸۱	۰/۷۸	۰/۸۴۴
کاهش عواطف منفی	۸۶/۱۷	۱۹/۳۲	۰/۸۲	۰/۵۷۹
افزایش عواطف مثبت	۲۴/۶۲	۶/۲۵	۰/۸۹	۰/۳۴۸
نمره کل خودتنظیمی هیجانی	۱۲۱/۳۷	۲۷/۷۴	۰/۹۵	۰/۴۴۲
جنبه جسمانی	۱۳/۲۱	۴/۱۳	۰/۹۰	۰/۲۹۱
جنبه روانی	۱۷/۰۴	۵/۵۶	۰/۸۴	۰/۳۴۷
جنبه عاطفی	۱۵/۴۹	۴/۹۲	۰/۸۲	۰/۳۶۹
نمره کل دلزدگی زناشویی	۴۵/۷۵	۱۳/۸۰	۰/۷۷	۰/۸۱۱

به‌منظور بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون کولموگوروف اسمیرنف استفاده شد. براساس جدول ۱، آزمون کولموگوروف اسمیرنف برای تمام متغیرها معنادار نبود؛ بنابراین فرض

جدول ۲. برآورد اثر مستقیم متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	بار عاملی استاندارد نشده (b)	خطای معیار	بار عاملی استاندارد (β)	مقدار احتمال
تاب‌آوری	<---	خودتنظیمی هیجانی	۰/۶۷	-۰/۱۹	۰/۶۳	<۰/۰۰۱
تاب‌آوری	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۱۹	۰/۱۲	-۰/۱۵	۰/۰۰۹
تمایز یافتگی	<---	خودتنظیمی هیجانی	۰/۳۳	۰/۰۹	۰/۲۸	<۰/۰۰۱
تمایز یافتگی	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۳۷	۰/۳۴	-۰/۲۹	<۰/۰۰۱
خودتنظیمی هیجانی	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۵۳	-۰/۰۴	-۰/۴۸	<۰/۰۰۱

خودتنظیمی هیجانی در رابطه بین تمایز یافتگی و تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی از دستور بوت‌استرپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

باتوجه به نتایج جدول ۳، اثر غیرمستقیم تاب‌آوری بر دلزدگی زناشویی (β=-۰/۳۰، p<۰/۰۰۱) منفی و معنادار بود. همچنین اثر غیرمستقیم تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی (β=-۰/۱۳، p<۰/۰۰۱) منفی و معنادار به‌دست آمد. در جدول ۴، شاخص‌های نکویی برازش الگوی

براساس جدول ۲، ضرایب مسیر مستقیم بین تاب‌آوری با خودتنظیمی هیجانی (β=۰/۶۳، p<۰/۰۰۱) و تمایز یافتگی با خودتنظیمی هیجانی (β=۰/۲۸، p<۰/۰۰۱) مثبت و معنادار بود. همچنین ضرایب مسیر بین تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی (β=-۰/۱۵، p=۰/۰۰۹)، تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی (β=-۰/۲۹، p<۰/۰۰۱) و خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی زناشویی (β=-۰/۴۸، p<۰/۰۰۱) منفی و معنادار به‌دست آمد. به‌منظور بررسی سهم واسطه‌گری

مسیر شده است.

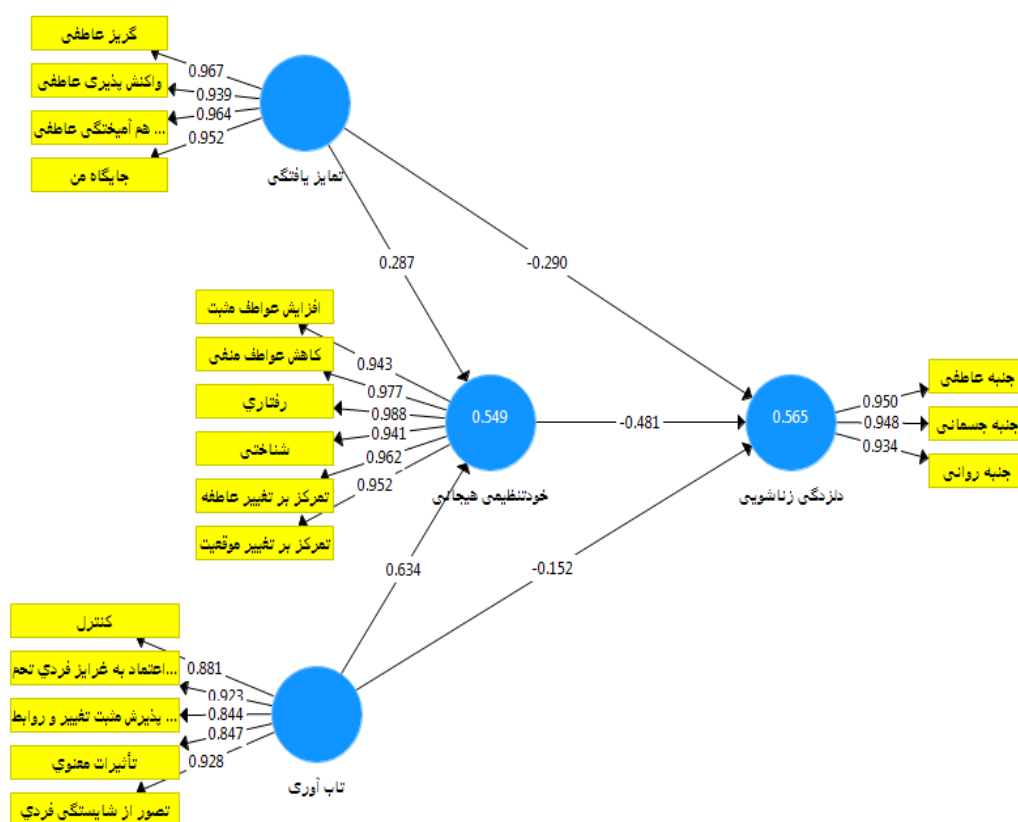
جدول ۳. برآورد اثر غیرمستقیم (با استفاده از آزمون بوت استرپ) و کل متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	اثر غیرمستقیم		اثر کل		مقدار احتمال
			β (استاندارد)	t	β (استاندارد)	t	
تاب‌آوری	--<	دلزدگی زناشویی	-۰/۳۰۵	۷/۷۲۸	-۰/۴۵۷	۱۰/۲۴۴	<۰/۰۰۱
تمایزیافتگی	--<	دلزدگی زناشویی	-۰/۱۳۸	۵/۵۴۳	-۰/۴۲۷	۱۰/۱۶۸	<۰/۰۰۱

جدول ۴. شاخص‌های نکویی برازش مدل تحلیل مسیر

شاخص‌های نکویی برازش	نسبت مجذور خی	ریشه خطای میانگین	شاخص نکویی	شاخص نکویی	شاخص نکویی
الگوی مسیر	۳/۱۳	۰/۰۶۱	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۱
	به درجه آزادی	مجذورات تقریب	برازش تطبیقی	برازش	تطبیقی

جدول ۴ نشان می‌دهد، شاخص‌های نکویی برازش از برازش نسبتاً خوب الگو با داده‌های گردآوری شده حمایت کرده است. نتایج الگوی مسیر اندازه‌گیری شده روابط بین تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی در شکل ۲ مشاهده می‌شود.



شکل ۲. الگوی مسیر مدل برازش شده روابط بین تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی با برآورد ضرایب استاندارد

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل علی دلزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی زوجین انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تمایزیافتگی به‌طور مستقیم و معکوس بر دلزدگی زناشویی تأثیر معناداری داشت؛ بدین معنا که افراد دارای سطوح بیشتر

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، افراد تمایز یافته برای سهیم شدن یا موضوعات، مشکلات، شکست‌ها یا اضطراب‌های نشانه آسیب را نشان نمی‌دهند؛ در عوض درک روشنی از شریک بودن فرایندهای عاطفی اعتیادآور و آمیخته دارند که موجب بیماری، تضعیف روحیه، خوار شدن و خراب کردن آن‌ها می‌شود (۲۸). خودتمایز سازی نشان‌دهنده توانایی فرد برای دیدن خود به‌عنوان فردی جدا از خانواده است. همچنین فرض شده است که سطوح بالاتری از تمایز خود با سطوح بالاتری از عملکرد کلی، در سطح روانی و نیز فیزیولوژیک در ارتباط است؛ بوئن اعتقاد دارد سطوح بیشتری از تمایز با افزایش توانایی برای روابط پیچیده عاطفی، کاهش علائم استرس، سطوح کم استرس ادراک شده، اضطراب کمتر و همچنین با انعطاف‌پذیری فرد در ارتباط است. بسیاری از مطالعات پیش‌بینی کرده‌اند که خودتمایز سازی با جنبه‌های مختلف پریشانی‌های روانی مانند اضطراب، افسردگی و استرس رابطه منفی دارد و با سازه‌هایی مانند اعتماد به نفس و رشد روانی دارای رابطه مثبت است و سطوح بیشتر تمایز با افسردگی و مقاومت روانی کمتر ارتباط دارد. در نظریه بوئن تمامی نشانه‌های مربوط به بیماری‌های روانی، بیماری‌های جسمی، مشکلات اجتماعی و به‌ویژه مشکلات زناشویی با سطح تمایز یافتگی مرتبط است (به نقل از ۸). تعارض‌های زناشویی از ضعف در تمایز یافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است و صمیمیت زناشویی مستلزم احساس قوی در هویت‌یابی و تمایز یافتگی خود است (۷). باتوجه به مطالبی که در تبیین این یافته بیان شد، مشخص می‌شود که افراد با تمایز یافتگی بیشتر میزان کمتری از استرس و افسردگی را در رابطه زناشویی تجربه می‌کنند. استرس و افسردگی نیز دو مورد از علائم مهم دزدگی زناشویی است.

همان‌طور که ذکر شد، بررسی نتایج نشان داد که تمایز یافتگی بیشتر، باعث کاهش دزدگی زناشویی زوجین می‌شود و از این طریق تعارض زناشویی زوجین را کاهش می‌دهد. زوجین تمایز یافته از طریق حفظ حس اطمینان خود در روابط نزدیک با یکدیگر، بدون نیاز به گریز هیجانی یا همجوشی با دیگران و نیز هنگام مواجهه با موقعیت‌های هیجانی با دیگران و همدیگر از خود واکنش هیجانی نشان نمی‌دهند و در این مواقع خونسرد هستند. زوجین با سطح تمایز یافتگی بیشتر، از غرق شدن در روابط نمی‌ترسند و بدین‌گونه منجر به اتخاذ رفتارهای دفاعی نمی‌شوند (۱۵). با سطح زیاد تمایز یافتگی افراد از درگیر شدن در روابط امتزاج یافته، هنگام تجربه اضطراب امتناع می‌کنند؛ از این رو زوجین تمایز یافته، دزدگی کمتری از خود نشان می‌دهند و در نهایت تعارض کمتری از خود بروز می‌دهند و زندگی زناشویی پایداری را تجربه می‌کنند (۱۵).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، تاب‌آوری اثر منفی و معنادار بر دزدگی زناشویی داشت. به عبارتی، تاب‌آوری زیاد در زوجین، دزدگی زوجین را کاهش می‌دهد؛ بنابراین منجر به کاهش تعارض و افزایش سازگاری زوجین با همدیگر می‌شود. زوجین تاب‌آور جهت‌یابی پیش‌گستر دارند؛ یعنی مایل هستند رفتارهای استرس‌زا را به‌صورت زودگذر و موقتی ببینند و خودسنجی واقع‌بینانه‌ای درباره یکدیگر دارند؛ در نتیجه به حوادث آینده امیدوار هستند (۲۹). زوجینی که تاب‌آوری

جذب کردن اضطراب به‌آسانی تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گیرند و آن‌ها افزایش یافته است، دارای خودتنظیمی بیشتری هستند؛ از این رو قادر به تعدیل هیجانات و رفتار خود و نیز خودآرامی (آرام کردن خود) هستند و به‌احتمال بیشتری می‌توانند توجه مثبتی را از دیگران و همدیگر فرا خوانند. این زوجین با ویژگی تاب‌آوری زیاد ادراک مثبت فرد از خود (خودپنداره)، اعتماد به نفس، خودکارآمدی و عزت نفس قوی، مرکز کنترل درونی، هوش زیاد و خوگیری با دیگران را دارند؛ بنابراین با این اوصاف زوجین تاب‌آور از همدیگر کمتر دلزده می‌شوند و در طول زندگی زناشویی با همدیگر کمتر تعارض دارند و می‌توانند زندگی سازگار و پایداری داشته باشند (۳۰).

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد، خودتنظیمی هیجانی بر دزدگی زناشویی اثر منفی و معکوس داشت. به عبارتی، زوجین با خودتنظیمی هیجانی زیاد، دزدگی زناشویی کمتری از خود نشان می‌دهند؛ از این رو تعارض کمتری در زندگی زناشویی از خود بروز می‌دهند. زوجین دارای خودتنظیمی هیجانی زیاد با برخورداری از تکنیک‌هایی نظیر آگاهی، ارزیابی هیجانات، پذیرش هیجانات و ابراز مناسب هیجانات موجب تعدیل هیجانات مثبت و منفی و به دنبال آن تعدیل قضاوت و ادراک مثبت از خویش می‌شوند؛ این امر به‌نوبه خود می‌تواند در سلامت روان و سازگاری زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی در آنان مؤثر و مفید باشد؛ زیرا هیجانات از نظر اجتماعی مفید هستند و می‌توانند در انتقال احساسات به دیگران، تعامل اجتماعی و ایجاد و حفظ رابطه با دیگران سازنده باشند؛ به‌علاوه هیجان‌ها به‌عنوان راه‌حل‌هایی برای مقابله با چالش‌ها، استرس‌ها و مشکلات زندگی عمل می‌کنند (۴).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، تمایز یافتگی و تاب‌آوری اثر معنادار و مثبت بر خودتنظیمی هیجانی داشتند. به عبارتی، زوجینی که تمایز یافتگی و تاب‌آوری بیشتری دارند، از خودتنظیمی هیجانی بیشتری برخوردار هستند. این یافته با نتایج پژوهش کلورکینوس و همکاران مبنی بر رابطه مثبت تمایز یافتگی با خودتنظیمی هیجانی (۱۵) همسوست. براساس یافته پژوهش حاضر، تمایز یافتگی و تاب‌آوری زیاد منجر به افزایش خودتنظیمی هیجانی در زوجین می‌شود. به‌علاوه افزایش خودتنظیمی هیجانی به‌نوبه خود باعث کاهش دزدگی و در نهایت منجر به کاهش تعارض زناشویی می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت، زوجین خودتنظیم در زندگی زناشویی کمتر از یکدیگر دلزده می‌شوند و در زندگی با همدیگر تعامل بیشتری دارند و کمتر دچار تعارض زناشویی می‌شوند (۱۴).

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، ابزار اندازه‌گیری بود. مقیاس‌های خودگزارشی امکان سوگیری را فراهم می‌کنند؛ همچنین تفاوت آزمودنی‌ها در عوامل مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنترل پژوهشگر نبود که براساس موارد ذکر شده در تعمیم یافته‌ها باید احتیاط شود. براساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برای زوجین، کارگاه‌های آشنایی با علائم دزدگی زناشویی و راهکارهای مقابله با آن تشکیل شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی و مشاوره ازدواج و خانواده آموزش‌هایی در جهت کاهش تعارضات زناشویی به‌کار رود؛ به‌صورتی که آموزش متغیرهای بررسی شده که در کاهش دزدگی

زنشویی زوجین مؤثر هستند، سهم عمده‌ای در کاهش آمار طلاق داشته باشد.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که تاب‌آوری و تمایز یافتگی با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی می‌تواند مدل مطلوبی برای تبیین دلزدگی زنشویی در زوجین دارای تعارضات زنشویی باشد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان که در این پژوهش ما را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است. مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه‌شده از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر گچساران با شماره نامه ۱۱۲ صادر شده است. تمامی افراد به‌شکل کتبی اطلاعاتی درباره

پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

رضایت‌نامه برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دسترسی به داده‌ها و مواد

بخشی از داده‌ها نظیر اطلاعات مربوط به پیامد اصلی یا امثال آن امکان اشتراک‌گذاری دارد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

تأمین منابع مالی انجام این پژوهش از هزینه‌های شخصی بوده است و توسط هیچ نهاد یا سازمانی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول داده‌های به‌دست‌آمده را آنالیز و تفسیر کرد. نویسنده دوم، در نگارش نسخه دست‌نوشته همکار اصلی بود. همه نویسندگان نسخه دست‌نوشته نهایی را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Kebritchi A, Mohammadkhani S. The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*. 2016;5(12):239–46.
2. Guo YF, Luo YH, Lam L, Cross W, Plummer V, Zhang JP. Burnout and its association with resilience in nurses: a cross-sectional study. *J Clin Nurs*. 2018;27(1–2):441–9. doi:[10.1111/jocn.13952](https://doi.org/10.1111/jocn.13952)
3. Bartle-Haring S, Shannon S, Bowers D, Holowacz E. Therapist differentiation and couple clients' perceptions of therapeutic alliance. *J Marital Fam Ther*. 2016;42(4):716–30. doi:[10.1111/jmft.12157](https://doi.org/10.1111/jmft.12157)
4. Florean IS, Pășăreanu CR. Interpersonal emotion regulation and cognitive empathy as mediators between intrapersonal emotion regulation difficulties and couple satisfaction. *J Evid Based Psychother*. 2019;19(2):119–34. doi:[10.24193/jebp.2019.2.17](https://doi.org/10.24193/jebp.2019.2.17)
5. Miroshnikova YA, Le HQ, Schneider D, Thalheim T, Rübsam M, Bremicker N, et al. Adhesion forces and cortical tension couple cell proliferation and differentiation to drive epidermal stratification. *Nat Cell Biol*. 2018;20(1):69–80. doi:[10.1038/s41556-017-0005-z](https://doi.org/10.1038/s41556-017-0005-z)
6. Goodarzi M. Predicting the probability of marital infidelity based on self-differentiation, family function & couple burnout. *Journal of Counseling Research*. 2019;18(71):80–99. [Persian] doi:[10.29252/jcr.18.71.80](https://doi.org/10.29252/jcr.18.71.80)
7. Peixoto-Freitas J, Rodríguez-González M, Crabtree SA, Martins MV. Differentiation of self, couple adjustment and family life cycle: a cross-sectional study. *Am J Fam Ther*. 2020;48(4):299–316. doi:[10.1080/01926187.2020.1736689](https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1736689)
8. Lampis J, Cataudella S, Agus M, Busonera A, Skowron EA. Differentiation of self and dyadic adjustment in couple relationships: a dyadic analysis using the actor-partner interdependence model. *Fam Process*. 2019;58(3):698–715. doi:[10.1111/famp.12370](https://doi.org/10.1111/famp.12370)
9. Aydogan D, Kizildag S. Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. *The Family Journal*. 2017;25(4):407–13. doi:[10.1177/1066480717731215](https://doi.org/10.1177/1066480717731215)
10. Sanford K, Kruse MI, Proctor A, Torres VA, Pennington ML, Synett SJ, et al. Couple resilience and life wellbeing in firefighters. *J Posit Psychol*. 2017;12(6):660–6. doi:[10.1080/17439760.2017.1291852](https://doi.org/10.1080/17439760.2017.1291852)
11. Jeon J-K. Study on the couple relationships in military: relationship among military life stress, couple relationship resilience and military adjustment. *Journal of Digital Convergence*. 2018;16(2):47–56. doi:[10.14400/JDC.2018.16.2.047](https://doi.org/10.14400/JDC.2018.16.2.047)
12. McCarthy LA. Influences of couples' type, division of labor, and violated expectations on first-time parents individual and marital well-being. [PhD dissertation]. [Gainesville, USA]: University of Florida; 2006.
13. Bernstein M, Bernstein PA. Methods of treating marital problems (behavioral-communication approach): how to improve marital relations. Touzandejani H, Kamalpour N. (Persian translators). Mashhad: Marandiz Pub; 2001.

14. Omidifar H, Pourebrahim T, Khoshkonesh A, Moradi A. The comparison and relationship between Emotional self-regulation with marital burnout and intimacy in one practitioner and both practitioner couples in governmental offices. *Career & Organization Counseling*. 2016;8(26):50–67. [Persian] https://jcoc.sbu.ac.ir/article_99549.html?lang=en
15. Kalokerinos EK, Erbas Y, Ceulemans E, Kuppens P. Differentiate to regulate: low negative emotion differentiation is associated with ineffective use but not selection of emotion-regulation strategies. *Psychol Sci*. 2019;30(6):863–79. doi:[10.1177/0956797619838763](https://doi.org/10.1177/0956797619838763)
16. Kline RB. Software review: software programs for structural equation modeling: Amos, EQS, and LISREL. *Journal of Psychoeducational Assessment*. 1998;16(4):343–64. doi: [10.1177/073428299801600407](https://doi.org/10.1177/073428299801600407)
17. Sanaei B. Measurement scales of family and marriage. Tehran: Be'sat Publishing Institute; 2000.
18. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: development and initial validation. *J Couns Psychol*. 1998;45(3):235–46. doi:[10.1037/0022-0167.45.3.235](https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235)
19. Jafary S, Alavi M, Irajpour A, Mehrabi T. Relationship between differentiation of self and attitude towards physician–nurse relationship in hospitals (Isfahan/Iran). *Iranian J Nurs Midwifery Res*. 2017;22(4):262–6. doi:[10.4103/1735-9066.212982](https://doi.org/10.4103/1735-9066.212982)
20. Connor KM, Davidson JR. Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety*. 2003;18(2):76–82. doi:[10.1002/da.10113](https://doi.org/10.1002/da.10113)
21. Campbell-Sills L, Stein MB. Psychometric analysis and refinement of the Connor–Davidson Resilience Scale (CD-RISC): validation of a 10-item measure of resilience. *J Trauma Stress*. 2007;20(6):1019–28. doi:[10.1002/jts.20271](https://doi.org/10.1002/jts.20271)
22. Mohammadi M. The reliability and validity of Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC) in Iran. *University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences*. 2005;10(3):12–20.
23. Larsen RJ, Prizmic Z. Affect regulation. In: Baumeister RF, Vohs KD. editors. *Handbook of self-regulation: research, theory, and applications*. New York: Guilford Press; 2004. pp: 40–61.
24. Meamar A, Keshavarzi F, Emamipour S, Golshani F. Effectiveness of mindful parenting training on mothers' affective self-regulation and on the externalizing behavioral problems in adolescent girls. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*. 2015;5(11):677–82.
25. Pines AM. *Couple burnout: causes and cures*. New York: Routledge; 1996.
26. Navidi F. Barrasi va moghayeseye rabeteye delzadegi zanashoo'i ba avamele jav'e sazemani dar karkonan edarat amoozesh va parvareh va parastaran bimarestan haye shahre Tehran [Investigating and comparing the relationship between marital distress and organizational climate factors in the staff of education departments and nurses of hospitals in Tehran] [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: Shahid Beheshti University of Tehran; 2005.
27. Becker J-M, Klein K, Wetzels M. Hierarchical latent variable models in PLS-SEM: guidelines for using reflective-formative type models. *Long Range Planning*. 2012;45(5):359–94. doi: [10.1016/j.lrp.2012.10.001](https://doi.org/10.1016/j.lrp.2012.10.001)
28. Zarei S, Farahbakhsh K, Esmaili M. The determination of the share of self-differentiation, trust, shame, and guilt in the prediction of marital adjustment. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2017;12(45):51–63. http://jsr-p.khuif.ac.ir/article_533798.html
29. Zhang J, Yu NX, Zhou M, Zhang J. Dyadic effects of resilience on well-being in Chinese older couples: mediating role of spousal support. *J Fam Psychol*. 2017;31(3):273–81. doi:[10.1037/fam0000250](https://doi.org/10.1037/fam0000250)
30. Hosseini N, Navabinejad S, Kiamanesh A. Comparing the effectiveness of Olson circumplex model and Walsh integrated approach on marital resilience and conflicts of couple. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2016;10(2):75–80. [Persian] http://www.behavsci.ir/article_67946.html